

Selected Cartoons

کاریکاتورهای منتخب

امید کوثری نیا

زهرا افوان صفایی

افسان کوثری نیا

References:

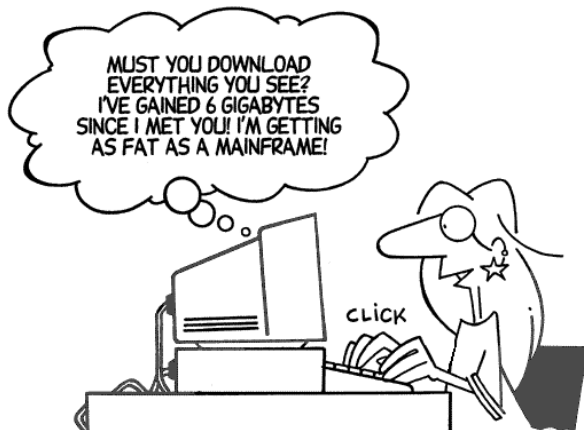
مراجع:

- 1- <http://www.glasbergen.com/images>



**"The trouble with this company is nobody wants to accept responsibility for anything. But don't tell anyone I said that!"**

مشکل این شرکت اینه که هیچ کس نمی فواهر مسئولیت هیچ چیز را بپذیرد. البته این چیزى را که گفتم به هیچ کس نگوا!



مکه هرچی می بینى باید دانلود کنی؟ از وقتی که تو با من کار می کنی، ۶ گیگابایت به وزنم اضافه شده! دارم به اندازه یک آبررایانه چاق می شوم!



**"I want to computerize our phone system. Something that will automatically correct an employee's grammar, fix mispronounced names, and delete any politically incorrect comments."**

من می فواهم سامانه تلفنى مان را رایانه ای کنم. چیزى که به طور خودکار ادبیات کارکنان را اصلاح کنه، اسمهایى که به اشتباه تلفظ می شه را درست کنه و هرگونه تفاسیر نادرست سیاسى را حذف کنه!



**"Suspending your keyboard from the ceiling forces you to sit up straight, thus reducing fatigue."**

آویزان کردن صفحه کلید رایانه از سقف شما را مهیور می کنه صاف بنشینید و لذا باعث کاهش فستکى شما می شود!

اگر شکسپیر نمایشنامه هایش را بر روی کامپیوتر نوشته بود



**"To upgrade or not to upgrade, that is the question!"**

«ارتقا دادن یا ارتقا ندادن، مساله این است!»



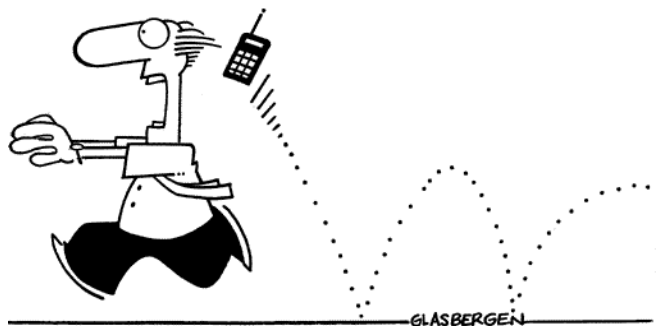
**"It's supposed to inspire, but most employees see it as permission to take a nap."**

این شعار برای الهام بخشیدن پیشنهاد شده است، اما اغلب کارکنان آن را به عنوان میوزی برای پرت زدن تهور می کنند!



**"On high-definition TV, everything looks brighter and sharper...except the politicians."**

در تلویزیون با کیفیت بالا، همه چیز شفافتر و واضحتر دیده می شود ... به جز سیاستمداران!



**"I just want a few minutes of peace and quiet— LEAVE ME ALONE!!!!!"**

من فقط می خواهم چند دقیقه آرامش و سکوت داشته باشم- من را تنها بگذار!!!!



**"We don't pay much attention to information security. We're hoping our competitors will steal our ideas and become as unsuccessful as we are."**

ما نگران امنیت اطلاعات نیستیم. امیدواریم رقبای ما ایده های ما را بزدند تا مثل خودمان ناموفق باشند!



**"YOUR MOTHER AND I FOUND OUT YOU'VE BEEN BLOGGING. WE DON'T KNOW WHAT THAT MEANS, BUT WE'D LIKE YOU TO STOP."**

من و مادرت متوجه شدیم که تو وبلاگ می نویسی. ما نمی دونیم که چیه ولی از تو می خواهیم که آن را انجام ندهی!



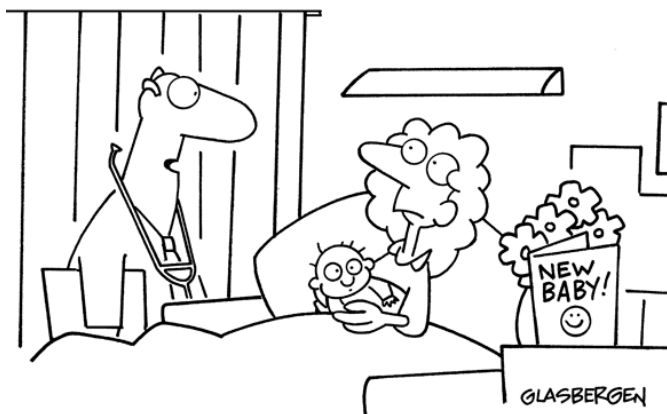
**"I work 5 minutes, then take a 30 minute break. But when I work, I work very, very hard!"**

من پنج دقیقه کار می کنم و نیم ساعت استراحت می کنم. ولی هر وقت کار می کنم، خیلی خیلی کار می کنم!



**"I read someplace that tall employees get better pay and faster promotions."**

من یک جایی خوندم که پرسنل قدبلند حقوق بهتری می گیرند و سریعتر پیشرفت می کنند!



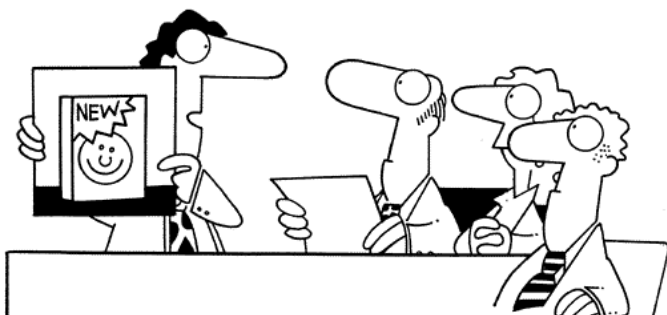
**"It's a new medical technology. Instead of crying, we can program your choice of 200 fun ring tones!"**

این یک فناوری جدید پزشکی است. شما می توانید نوزادتان را به گونه ای برنامه ریزی کنید که به جای صدای گریه، ۲۰۰ نوع آهنگ سرگرم کننده بنوازد!



**"The doctor told my husband to double his physical activity, so now he changes channels with both hands."**

دکتر به شوهرم گفته که باید فعالیتهای بدنی اش را دو برابر کند، بنابراین او الان کانالهای تلویزیون را با دوتا دستش عوض می کند!

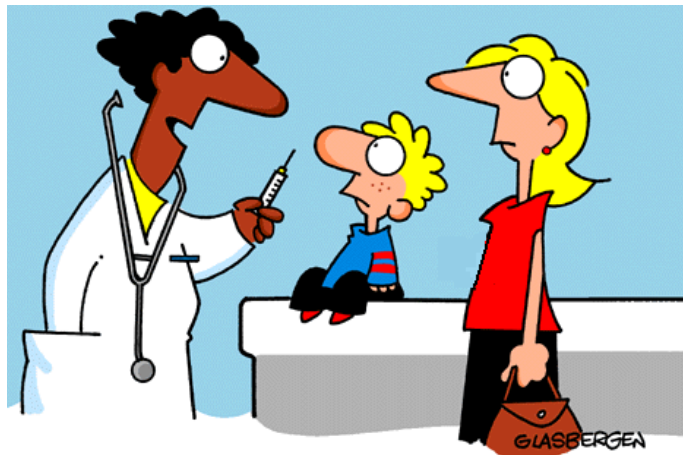


**"Our new product has no fat, no cholesterol, no calories, no sugar, no salt and no preservatives. The box is empty, but it has exactly what everyone wants!"**

محصول جدید ما نه چربی، نه کلسترول، نه کالری، نه قند، نه نمک و نه مواد نگهدارنده. می بینید جعبه اش خالی، و این دقیقاً همان چیزی است که همه می خواهند!



**"With this new drug, cholesterol forms outside of the body, where it can't clog the arteries!"**



**"Don't think of it as getting a flu shot. Think of it as installing virus protection software."**

فکر نکن که داری آمپول آنفلوآنزا می زنی. بلکه تصور کن که داری یک نرم افزار ضد ویروس توی بدنت نصب می کنی!



**"I'm actually 42 years old...but it takes a lot of exercise to keep looking this young!"**

من سن واقعی ام ۴۲ سال است...ولی یک عالمه ورزش کردم تا اینقدر جوان به نظر برسم!



**"We're out of flu vaccine. Try licking some virus software."**

ما واکسن آنفلوآنزایمان تمام شده. به جای آن لیسیدن یک نرم افزار ضد ویروس را امتحان کنید!



**"According to my research, laughter is the best medicine, giggling is good for mild infections, chuckling works for minor cuts and bruises, and snickering only makes things worse."**



با این داروی چریدر، کلسترول بیرون از بدن تشکیل می شود و دیگر باعث بسته شدن رگها نمی شود!

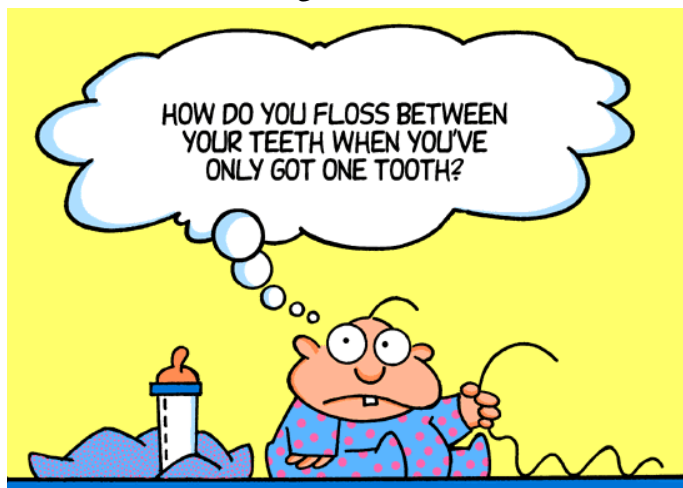
طبق تحقیقات بنده، خندیدن بهترین درمان است، با خنده صمبت کردن برای عفونتهای خفیف خوب است، با دهان بسته خندیدن برای زخمها و کوبیدگیهای موضعی خوب است و نیشخند زدن فقط اوضاع را بدتر می کند!

Restaurant



"I'm going to order a broiled skinless chicken breast, but I want you to bring me lasagna and garlic bread by mistake."

تصمیم دارم که یک سینه مرغ پخته بدون پوست سفارش دهم، اما از شما می فواهم که اشتباهاً برایم لازانیا و نان سوخاری با طعم سیر بیاورید.



بطور می توانی بین دندانهایت نخ دندان بزنی وقتی فقط یک دندان داری؟



نمی تونی هیچ کاری را درست انجام بدهی؟!؟



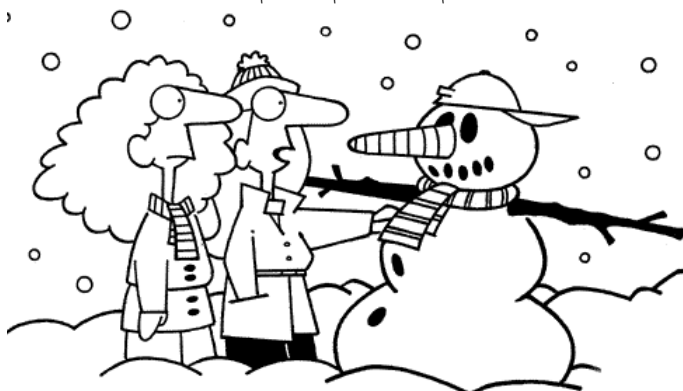
"THE COMPUTER SAYS I NEED TO UPGRADE MY BRAIN TO BE COMPATIBLE WITH ITS NEW SOFTWARE."

کامپیوتر می که من باید مغزم را ارتقا بدهم تا با نرم افزار جدیدش سازگار باشه!



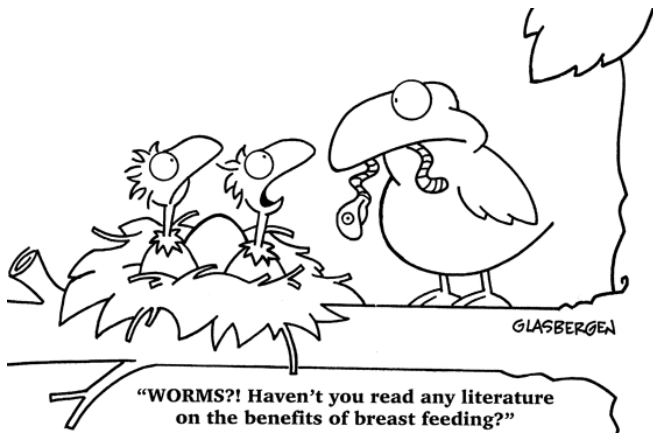
"I'm paid \$4,000,000 a year. You're paid \$40,000. The only difference is a few zeros. Everyone knows that zero equals nothing. So what's the problem?"

من سالی چهار میلیون دلار حقوق می گیرم و شما سالی پهل هزار دلار. تفاوت حقوق ما فقط پندر تا صفر است و همه می دونند که صفر برابر است با هیچی. پس مشکل شما چیه؟!؟



"He's my new spouse. I know he's cold and unemotional, but on the other hand, he never criticizes me, he doesn't complain about my friends, and if things don't work out, he'll be gone in the Spring!"

این همسر چریدر منه! می دونم که سرد و بی احساسه، اما عوضش، هیچ وقت به من انتقاد نمی کنه، به خاطر رابطه ام با دوستانم به من غر نمی زنه، و اگر شرایط درست از آب در نیامد خودش در بهار نابود می شه!



باز هم کرم؟! مکه تا حالا مقاله ای درباره فواید شیر مادر نخوانده ای؟

IT'S NOT MY FAULT THAT I FORGET TO FLOSS. MY WISDOM TEETH AREN'T AS SMART AS YOURS!



تقصیر من نیست که یادم میره نخ دندان بزنم. بلکه دندانهای عقل من به اندازه مال تو باهوش نیستند!



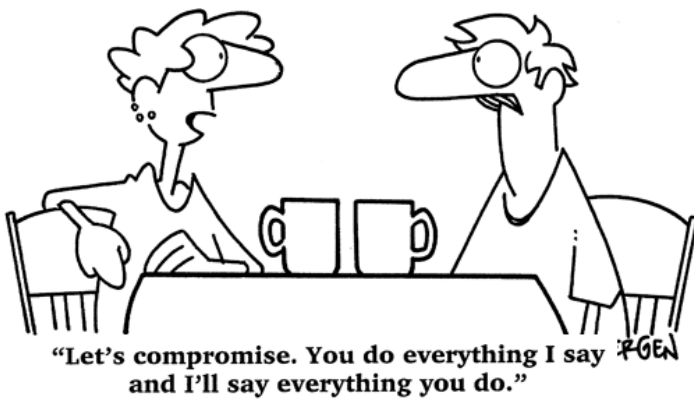
“Don't tell me to improve my diet. I ate a carrot once and nothing happened!”

به من نگو که تغذیه ام را بهتر کنم. من یکبار هویج خوردم و هیچ اتفاقی نیفتاد!



“I don't have time to jog or lift weights. If it weren't for smoking, my lungs wouldn't get any exercise at all!”

من برای دویدن یا وزنه برداری وقت ندارم. بنابراین اگر سیگار نکشم ریه هایم اصلاً ورزش نمی کنند!



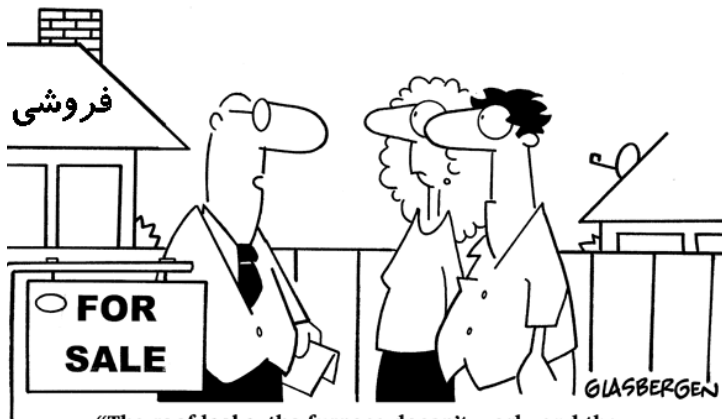
“Let's compromise. You do everything I say and I'll say everything you do.”

این طوری با هم توافق کنیم: هرچی که من می گم تو انجام می دهی و هرچی تو انجام می دهی من می گم!



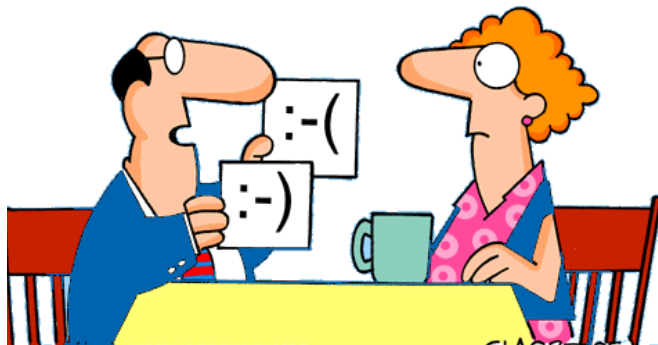
وقتی که مدت زیادی که ازدواج کردی می دونی که طرف مقابلت چی فکر می کنه

نه نمی دونی!



"The roof leaks, the furnace doesn't work, and the plumbing needs repair...but it's located on the greatest planet in the universe!"

سقف این فونه پکه می کنه، مشعلش هم کار نمی کنه، لوله کشی اش هم نیاز به تعمیر داره... ولی عوضش روی بهترین سیاره جهان قرار داره!



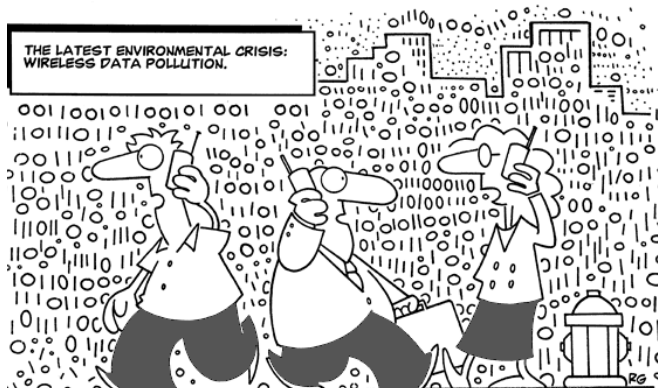
"You always complain that I don't know how to show my emotions, so I made these signs."

تو همیشه کله می کنی که من نمی دونم پطوری احساساتم را نشان بدهم، من هم این علامتها را درست کردم!



"I do so help around the house! I keep dust off the recliner and make sure all of the remotes are working properly!"

من هم در کارهای فونه کمک می کنم! مواظبم که روی این مبل گرد و خاک نگیره و پک می کنم که کنترل تلویزیون درست کار می کنه!



آفرین بهمان زیست ممیطی؛ افزایش داده های بیسیم!



"Potato chips aren't rubbery and blubbery like fat. They're crispy and crunchy like lettuce. That proves they're diet food!"

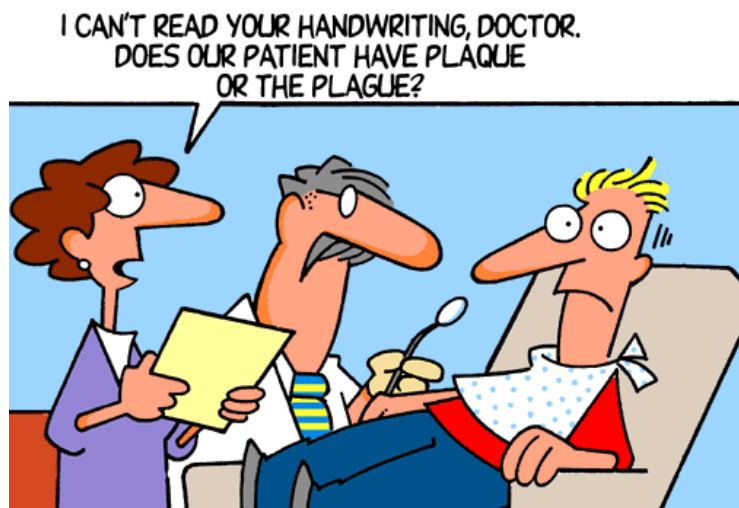
چیپس سیب زمینی مثل چربی حالت لاستیک مانند و پف کرده نداره بلکه مثل کاهو ترد است. این ثابت می کنه که چیپس یک غذای رژیمی است!



"I'm practically a vegetarian. I eat plenty of grains after they've been turned into cows, lambs and chickens."

من عملاً یک سبزیخوارم. چرا که پس از اینکه مغم زیادی از غلات و سبزیجات به گاو و کوسفند و مرغ تبدیل شد آنها را می خورم.





دکتر، من نمی توانم دستخط شما را بفهمم. این مریض بیماری پلاک (جرم دندان) دارد یا پلاک (طاعون)؟!

## PHARMACY

داروخانه



"It's a sedative. The side effects are anxiety, fidgeting, excitability and insomnia."

این یک داروی مسکن است. عوارض جانبی آن هم اضطراب، بیقراری، تحریک پذیری و بی خوابی است!



"As soon as I get organized, I promise to make room in my schedule to attend last week's time management seminar."

به مفض اینکه کارهایم مرتب شد، قول می دهم که یک فرصت قالی در برنامه کاری هفته آینده ام برای حضور در سمینار مدیریت زمان ایجاد کنم.



Healthy Heart? ... st dinosaurs were vegetarians and they never smoked ... racco — and where are they now?!"

فیلی از دایناسورها سبزیخوار بودند و هیچوقت هم سیگار نمی کشیدند - پس الان کجایند؟!



"I found 1837 web sites about 'alternative medicine' but none of them recommend pizza or chocolate for lowering our cholesterol."

من ۱۸۳۷ سایت اینترنتی درباره «داروی جایگزین برای رژیم لاغری» پیدا کردم اما هیچکدام از آنها برای کم کردن کلسترول، پیتزا یا شکلات را پیشنهاد نکرده اند.



**"Snow White was poisoned by an apple, Jack found a giant in his beanstalk, and look what happened to Alice when she ate the mushroom! you wonder why I won't eat fruit and vegetables!"**

سفید برفی با خوردن سیب مسموم شد، جک در ساقه لوبیایش به غول پیدا کرد، و ببین آلیس موقعی که قارچ خورد چه بلایی سرش اومد، پس آیا هنوز تعجب می کنی که چرا من میوه و سبزی نمی خورم؟

#### BUSINESS ETIQUETTE FOR DUMMIES...

آداب تجارت برای مبتدیان



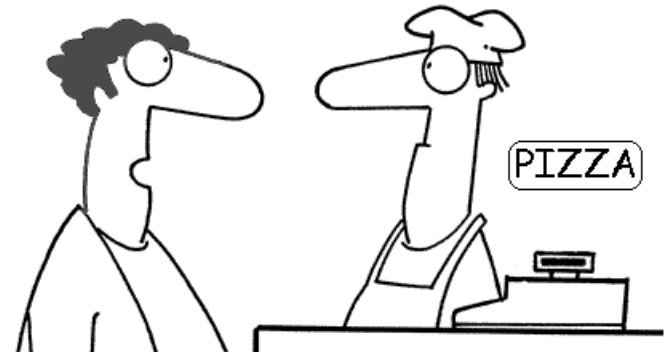
**TALKING WITH YOUR MOUTH FULL ... BAD! TALKING WITH YOUR BRAIN FULL ... GOOD!**

صحبت کردن با دهان پر ... بد! صحبت کردن با مغز پر ... خوب!



**"Roger is witty, charming, handsome, considerate, intelligent, successful, gentle and the most perfect man I ever met. But we had to break up—he's Windows and I'm Mac."**

راگر آدم فوش مشرب، جذاب، فوش تیپ، باملاحظه، باهوش، مودب و موفق است و کامل ترین مردی است که تا بهال دیده ام. ولی ما تصمیم گرفتیم ازدوایمان را به هم بزنیم- چون او طرفدار سیستم عامل ویندوز بود و من طرفدار سیستم مک اینتاش!



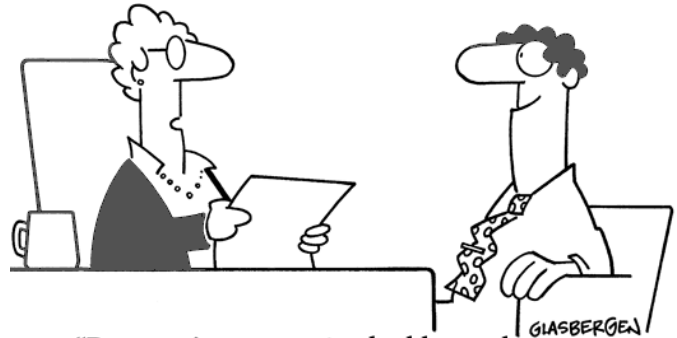
**"I followed a low-fat diet for ten years and gained 40 pounds. On behalf of all dieters, I'd like to apologize to a pizza."**

من به مدت ده سال از یه رژیم غذایی کم چرب پیروی می کردم و دست آخر ۴۰ پوند (۱۸ کیلوگرم) به وزنم اضافه شد. بنابراین می خوام از جانب همه رژیمی ها از پیتزا عذرفواهی کنم!



**"If I walk past your desk without stopping to criticize your work, that counts as a compliment."**

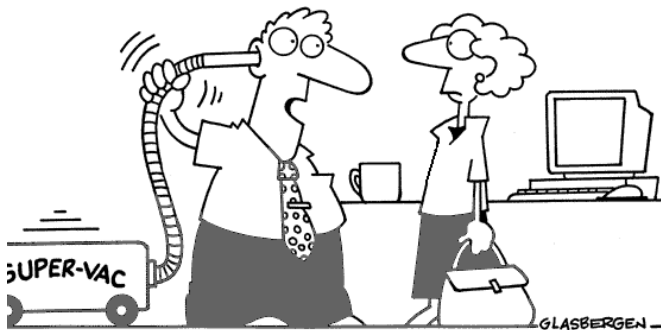
هر وقت از کنار میزت رد شدم بدون اینکه بایستم و از کارت انتقاد کنم، آن را به عنوان یک تعریف از خودت تلقی کن!



**"Dan, you're my most valuable employee. Your ineptitude consistently raises the self-esteem of everyone you work with."**

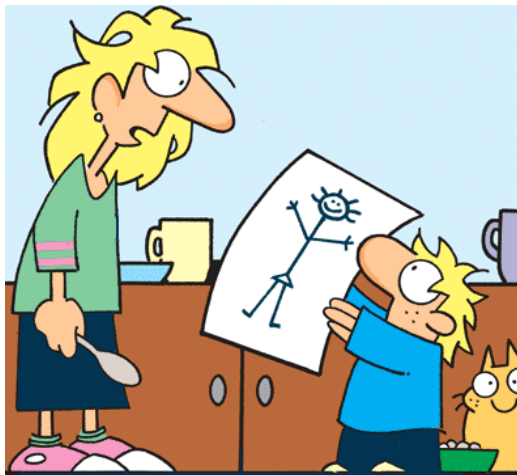
دان، تو باارزشترین کارمند من هستی. بی غرضگی تو باعث شده هرکس باهات کار کنه اعتماد به نفسش بالا بره!





"It's just something I do every day at 5:00 to get rid of stress before I go home."

این کاری است که من هر روز ساعت ۵:۰۰ انجام می دهم تا پیش از رفتن به فون از اضطرابهای کار خالی شوم!



"It's very nice, dear. But why did you draw me so fat?"

فیلی فوبه عزیزم. ولی چرا من را اینقدر چاق کشیدی؟



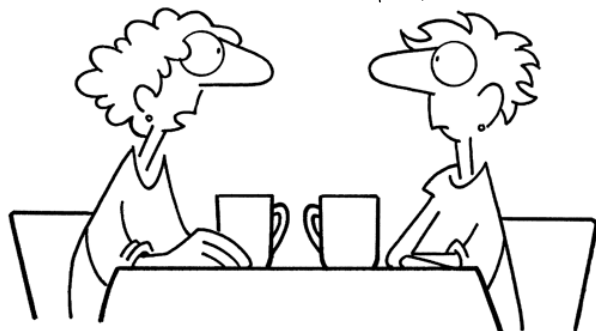
"I'm trying to find a hacker who can get inside my husband's brain and tell me what's on his mind!"

دارم سعی می کنم یک نفر رمز شکن (هکِر) پیدا کنم که بتونه به مغز شوهرم نفوذ کنه و به من بگه که توی ذهنش چی می گذره!



"Sorry about the odor. I have all my passwords tattooed between my toes."

به خاطر بوی بد پاهایم عذرخواهی می کنم. من همه کلمات رمزَم را لای انگشتای پاهایم فالکوبی کرده ام!



"Discipline and good behavior are the keys to family harmony, so my husband and I do everything our children tell us to."

منقبط بودن و رفتار خوب، کلید هماهنگی و تعادل خانواده است. بنابراین من و شوهرم هرچی بچه هایمان بگویند انجام می دهیم!



"...and that's why you need to raise my allowance!"

« ... و به همین دلیل شما نیاز دارید که پول توجیبی من را زیاد کنید! »



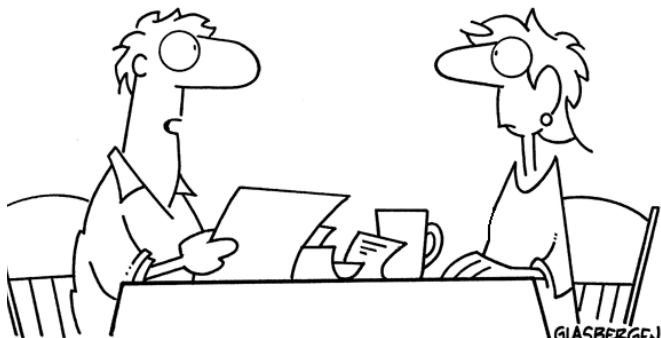
"It's a very safe neighborhood! It's never been pillaged by Vikings, never been attacked by Godzilla, there have been no Bigfoot or UFO sightings..."

اینجا محله خیلی امنی است. هیچ وقت تا حالا توسط فنگویان اسکاندیناوی غارت نشده، مورد حمله گوزیلا قرار نگرفته و رد پای غول یا بشقاب پرنده اینجا مشاهره نشده!



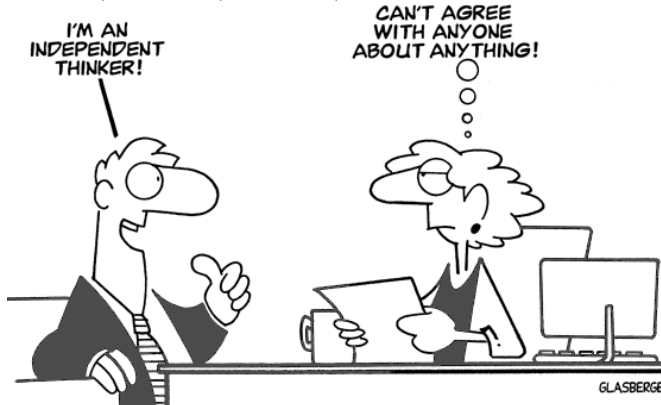
"Expensive? Why it's only 15¢ a minute!"

گرونه؟ [قسطش] فقط دقیقه ای ۱۵ سنت است! [می شود ماهی ۶۴۸۰ دلار]



Money can't buy happiness, but if I had a big house, fancy car and a giant plasma TV, I wouldn't mind being unhappy!"

پول نمی تونه خوشبختی را بفره، ولی آگه یه فونه بزرگ، یه ماشین شیک و یه تلویزیون پلاسمای بزرگ داشتیم، فکر نمی کنم بدبخت بودیم!



I'M AN INDEPENDENT THINKER!

CAN'T AGREE WITH ANYONE ABOUT ANYTHING!

من یک متفکر مستقل!

پس نمی تونه در مورد

هیچ چیز با هیچ کس

توافق کنه!



"The bad news is, your uncle has been in a coma for two weeks. The good news is, he hasn't had a cigarette in 14 days!"

فیر بر اینه که دایی (عمو)ی شما دو هفته است که به اغماء رفته. فیر خوب اینه که

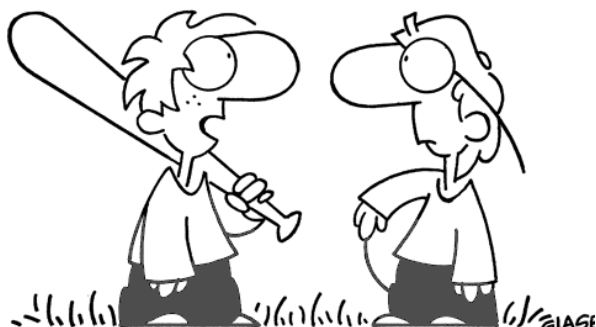
۱۴ روزه که دیکه سیگار نکشیده



"THERE IS NO LESSON TWO."

آموزش خدمات رسانی به مشتریان - درس اول: چگونه یک نفر را سرکار بگذاریم! -

درس دومی هم وجود نداره!



"My mom has the coolest job in the world. She's a director of human racehorses!"

مامان من فونسرترین و پی دغره ترین شغل دنیا رو داره. او مربی اسبهای مسابقه



"How do I donate my ears to the Organ Bank? I have a coworker who won't shut up!"

قطور می تونم گوشهایم را به یک بانک اعضای بدن هدیه کنم؟ من یه همکار دارم که



**"You went camping and a bear mistook your blood for honey. Would you mind if I ordered a diabetes test for you?"**

شما به گردش رفتید و یک فرس، [به خاطر قند بالا] فونتان را به جای عسل اشتباه گرفت! آیا من می‌تونم یک آزمایش دیابت برای شما بنویسم؟!



**"You'll see from my medical records that I was born six weeks premature. I've always been very good at completing projects ahead of schedule!"**

شما از سوابق پزشکی بنده ملاحظه می‌کنید که من شش هفته زودتر از موعد به دنیا آمدم ام. [این نشان می‌دهد که] من همیشه در اتمام پروژه‌ها جلوتر از برنامه بوده‌ام!



**"I shut my eyes when I need to remember one of my passwords. I have them tattooed inside my eyelids."**

من هر وقت بخواهم یکی از کلمات رمز را به خاطر بیاورم چشم‌هایم را می‌بندم. چون من کلمات رمز را زیر پلک‌هایم فاکلوی کرده‌ام!



**"Loyalty and enthusiasm are the two things I value most in an employee. You're hired!"**

وفاداری و جزیّت دو ویژگی یک کارمند است که من ارزش زیادی برای آنها قایلیم. بنابراین، شما استخدام می‌شوید!



**"When your price is very high, people assume that your product must be very good!"**

وقتی که قیمتت خیلی بالا باشه، مردم فکر می‌کنند که کالایت باید خیلی خوب باشه!



**"If Robin Hood takes from the rich and gives it to the poor, then eventually everyone will be poor. Explain to me again why that makes him a hero?"**

اگر رابین هود از ثروتمندان می‌کرفته و به فقرا می‌داده، که عاقبت همه فقیر می‌شدند. به من دوباره توضیح بده که چرا این مساله باعث قهرمان شدن او شده؟!



**"I want a cell phone that also plays music... loud enough that I can't hear the nuisance who called me."**

من یک موبایلی می‌خواهم که موزیک هم بنوازه، صدای موزیکش هم آنقدر بلند باشه که نتوانم صدای مزاحم تلفنی ام را بشنوم!



**"You know we strongly discourage any sort of office romance. Someone heard you whisper 'I love you' to the coffee machine."**

شما می‌دانید که ما هرگونه عاشقی در محیط اداری را قویاً ممنوع می‌کنیم. یک نفر شنیده که شما زیر لب به دستگاه قهوه ساز گفته اید: «دوستت دارم»!





**"If a vegetarian diet is good for losing weight, how come they use grain to fatten lambs and cows?"**

اگر رژیم سبزیجات برای کاهش وزن خوب بود، پس چرا برای چاق شدن بره ها و گاوها به آنها غلات می دهند؟!



**"The view is breathtaking. If you look straight up at night, you can see the entire universe!"**

پشم انداز [این فونه] خیلی هیجان انگیزه. اگر شب به بالا نگاه کنید می توانید تمام دنیا

را ببینید!



**"Access requires a password, retina scan, fingerprint analysis and a DNA sample. It's the best refrigerator I've ever owned!"**

بازکردن درب آن نیاز به وارد کردن کلمه عبور، اسکن شبکیه چشم، بررسی اثر انگشت و نمونه برداری از DNA دارد. این بهترین یخچالی است که تا به حال داشته ام!



**"This home is conveniently located near shopping, movies, music and education...if you have a computer and internet connection!"**

این منزل به اندازه مناسبی نزدیک فروشگاه، سینما، تالار موزیک و آموزشگاه قرار دارد

... به شرط آنکه کامپیوتر و ارتباط اینترنت داشته باشید!



**"Every restaurant has a computer these days. See if the chef has software to compress a 1000 calorie meal into a 200 calorie meal."**

این روزها هر رستورانی یک کامپیوتر دارد. ببینید آیا سرآشپزتان نرم افزار دارد که یک غذای ۱۰۰۰ کالری را به یک غذای ۲۰۰ کالری زیپ (فشرده) کند!



**"If pizza is hot enough to burn the roof of your mouth, why isn't it hot enough to melt belly fat?"**

اگر پیتزا آنقدر داغه که دهان آدم را می سوزاند، پس چرا آنقدر داغ نیست که چربی شکم را بسوزاند؟!



My boss is giving \$150 to anyone who stops smoking by the end of the year. If I start smoking now, I'll have time to join the contest!"

رئیس به هرکس که تا آخر سال سیگار را ترک کنه ۱۵۰ دلار می دهد. اگر من سیگار کشیدن را از الان شروع کنم می تونم به این رقابت پیوندم!



"I'm learning how to relax, doctor — but I want to relax better and faster! I want to be on the cutting edge of relaxation!"

دکتر! من دارم یاد می گیرم که چطوری به آرامش برسم. ولی من می خواهم بهتر و سریعتر به آرامش برسم. من می خواهم به آخر آرامش برسم!



"You need to incorporate some stretching into your fitness routine, so I glued all of your snacks to the ceiling!"

تو نیاز داری که یکسری حرکات کششی را به برنامه سلامتی ات اضافه کنی، برای همین من فوراکیهایت را به سقف چسباندم!



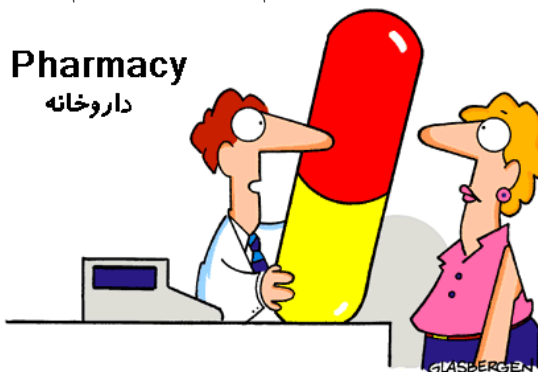
"I'm prescribing a patch to help you quit smoking. Wear it over your mouth."

من این برچسب را برای کمک به ترک سیگار برای شما تجویز می کنم. آن را بر روی دهان خودتان بچسبانید!



"That's what I like best about smoking—it gets me out in the fresh air a couple times a day."

بهترین چیزی که من را به سیگار کشیدن علاقمند کرده اینه که باعث می شه برای کشیدن سیگار روزی دو مرتبه بیرون بیایم و هوای تازه تنفس کنم!



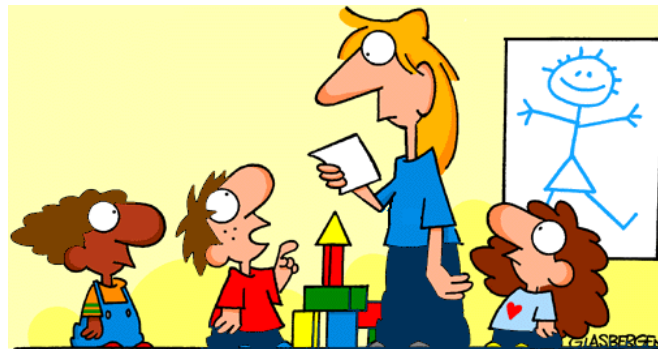
"Your prescription is cheaper if you buy it in bulk."

اگر داروهایتان را به صورت «فانواده» بفرید نسخه شما ارزانتر می شود!



**"I've received a number of complaints from your computer. You haven't been washing your hands after you go to the toilet."**

از کامپیوترتان به تعدادی شکایت دریافت کرده ام. شما بعد از رفتن به دستشویی دستهایتان را نشسته اید!



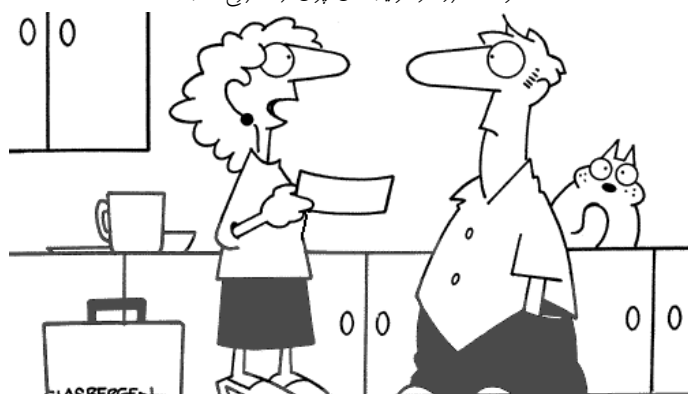
**"My name was David, but that sounded old fashioned. So I shortened it to DVD!"**

اسم من دیوید [داوود] است، ولی به نظر می رسه که از مُر افتاده باشه. بنابراین اون را به «دی وی دی» مختصر کرده ام!



**"Our budget has been cut. Tell our research and development people to stop cloning sheep and start cloning money!"**

بودجه ما قطع شده. به پرسنل پژوهش و توسعه بگو که تکثیر و تولید مثل کوسفند را متوقف کرده و تولید مثل پول را شروع کنند!



**"I got paid 50 million dollars this week. Do you think it's a mistake or did my boss finally realize how valuable I am?"**

این هفته پنجاه میلیون دلار حقوق گرفته ام! فکر می کنی که اشتباهی رخ داده یا اینکه رئیسم بالاخره متوجه شده که من چه آدم ارزشمندی هستم!



**"I HACKED INTO THE SCHOOL'S COMPUTER AND CHANGED ALL MY GRADES. THEN THE SCHOOL HACKED INTO MY COMPUTER AND DELETED ALL MY GAMES!"**

من به کامپیوتر مدرسه نفوذ کردم و همه نمراتم را تغییر دادم. بعد از اون، مدرسه هم به کامپیوترم نفوذ کرد و همه بازیهایم را پاک کرد!



**"A J5-400EE error code means your computer thinks you're an idiot and refuses to have anything more to do with you."**

کد خطای J5-400EE به معنی آن است که کامپیوترتان فکر می کنه که شما یه آدم کورن هستید و حاضر نیست هیچ کار دیگه ای برایتان انجام بده!





**"Keep an eye on Larry. He belongs to a cult that believes in quality products at a fair price!"**

چشم از لاری بر ندار. او به یک مکتبی تعلق داره که معتقد به محصولات با کیفیت و با قیمت مناسب عرضه بشه!



**actually have nothing to say, so my presentation should only last an hour or two."**

من واقعاً هیچ حرفی برای گفتن ندارم، بنابراین سخنرانی ام باید فقط یک یا دو ساعت طول بکشه!



**"Of course I remember you. You're the salesman with the firm handshake."**

البته که شما را به خاطر می آورم. شما همان فروشنده ای هستید که محکم دست می دهید!



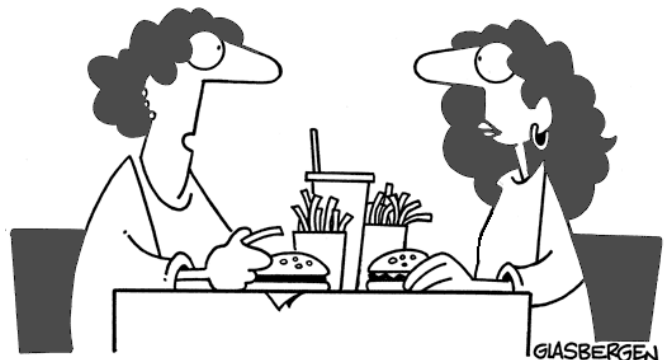
**"To conform to government safety regulations, no one may climb the ladder of success without wearing a harness and special non-slip shoes."**

بر اساس قوانین ایمنی محبوب دولت، هیچکس نمی تونه بدون پوشیدن طناب مهار و کفشهای ضد سر خوردن مخصوص از نردبان موفقیت بالا بره!



**"Yes, we have an employee health plan. We expect you to keep busy enough to raise your heart rate to 140 beats per minute."**

بله، ما به برنامه سلامتی کارکنان داریم. از شما انتظار داریم که آنقدر مشغول کار باشید که تعداد ضربان قلبتان به ۱۴۰ تا در دقیقه برسه!



**"Time management is a myth! If I had any control over time, I'd still be sixteen and weigh 90 pounds!"**

مدیریت زمان یک افسانه است! آکه من کنترلی روی زمان داشتم، الان هنوز ۱۶ ساله بودم و وزنم ۹۰ پوند (۴۰ کیلوگرم) بود!



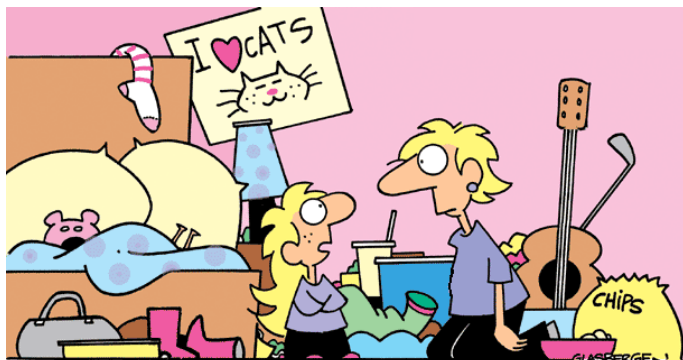
**"If you wander around the office too long, the GPS device will guide you back to your desk."**

آه توی اداره پیش از هر پرسه بزنی، این دستگاه مکان یاب (GPS) تو را به پشت میزت هدایت می‌کنه!



**"I've been making an effort to be less critical. If you weren't so self-absorbed, you'd see that!"**

من دارم تلاش می‌کنم که کمتر انتقاد کنم. تو هم آه اینقدر خواست به خودت نبور متوجه این موضوع می‌شوی!



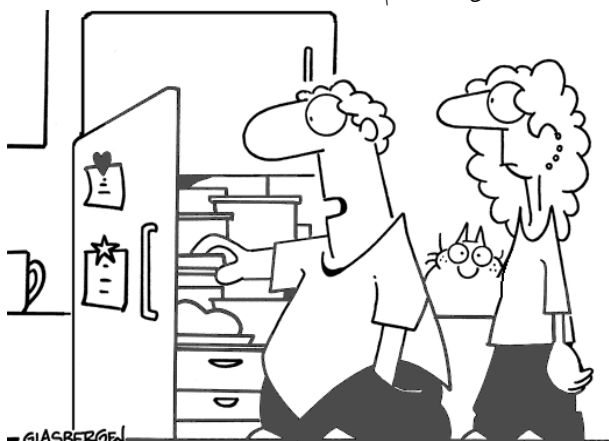
**"If you make me clean my room, won't it encourage the stereotype of the female as subservient housemaid?"**

آه من را وادار کنی که اتاقم را تمیز کنم، آیا با این کار باعث نمی‌شی که از من الگویی از یه خانم به عنوان خدمتکار زیردست بسازی.



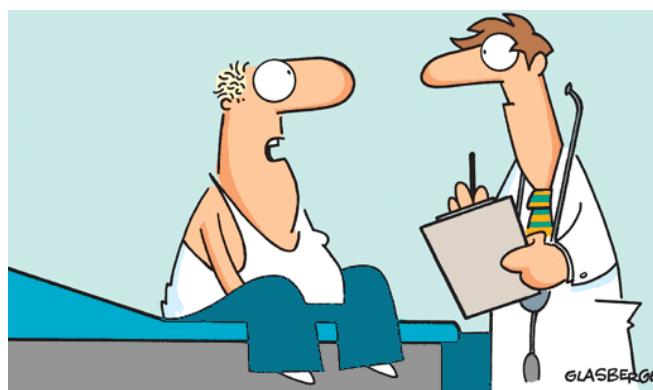
**"We have to retake your employee ID photo. We accidentally made you look good."**

ما مجبوریم دوباره از تو عکس پرسنلی بگیریم. عکس قبلی ات تصادفاً خوب از آب درآمد!



**"Some people live to eat. Some people eat to live. I eat to live so I can keep living to eat."**

بعضی‌ها زندگی می‌کنند تا بخورند. بعضی هم می‌خورند تا زندگی کنند. من می‌خورم تا زندگی کنم برای اینکه زنده بمانم تا بخورم!



**"My fat has been with me through good times and bad, it stuck by me when all of my friends turned away. How dare you ask me to go on a diet?"**

چربی من همیشه در مواقع خوشی و سختی همراهم بوده، حتی موقعی که همه دوستایم تنهایم گذاشته بودند با من بوده، پس فطور از من می‌فواهی که رژیم بگیرم؟!



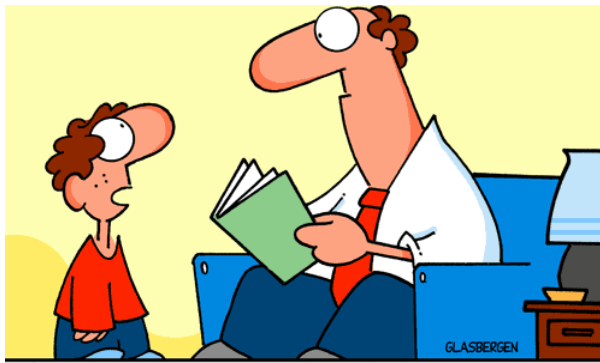
**"After 20 years on the job, Phil's eyes still sparkle with enthusiasm. I hear he's had twinkle implants."**

بعد از ۲۰ سال سابقه کار، چشمهای فیلیپ هنوز از شدت علاقه به کار می‌درخشه. من شنیدم که لنزهای درخشنده توی چشمهایش کار گذاشته!



**"Every day my skin gives birth to millions of new cells. So technically, I've got a lot of maternity leave coming to me!"**

هر روزه در پوست من میلیونها سلول چربی متولد می‌شه. بنابراین، اصولاً من یه عالمه مرخصی زایمان طلبکارم!



"If you know how to turn obstacles into opportunity, why do I have to move my toys off the stairway?"

آه شما می دونی که چطور موانع را به فرصت تبدیل کنی، پس چرا من را میبوری  
کنی اسباب بازیهایم را از توی راه پله بردارم!

لطفاً آبدارخانه  
اداره مان را  
تمیز نگه داریم

PLEASE  
KEEP  
OUR  
OFFICE  
KITCHEN  
CLEAN!



"I won a prize at the Productivity Seminar. It's a compass that always points to my desk."

من تو سمینار بهره وری به جایزه برنده شدم. این یه قطب نما است که همیشه  
جهت میز کارم را نشان می ده!



"You can correct my spelling and grammar, but my ethics are none of your business!"

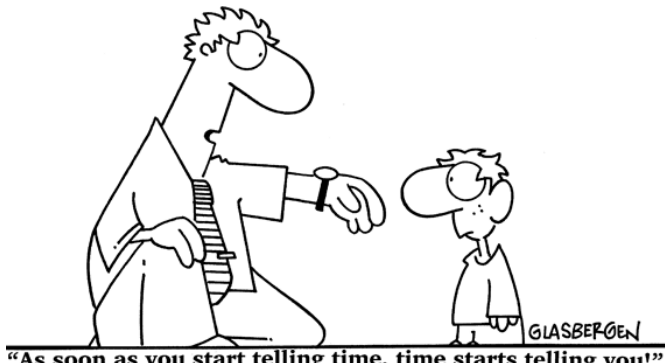
[فطاب به کامپیوتر:] تو می تونی املا و دستور زبانم را اصلاح کنی ولی اخلاقم به تو  
ربطی نداره!

DEAR, I THINK YOU'RE  
SPENDING WAAAAAY  
TOO MUCH TIME ON  
THE INTERNET.

I.COM  
AM.COM  
NOT.COM



من دارم یه طالع بینی روزانه برای کارکنانمان می نویسم. این چطوره؟  
نه دات کام، اینطور عزیزم، من فکر می کنم تو خیلی وقتت رو روی اینترنت می گذرونی.



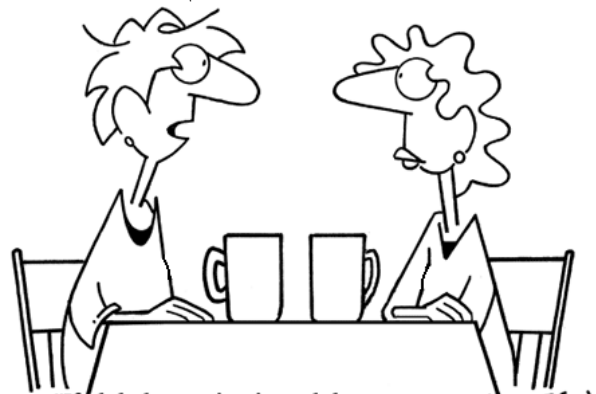
"As soon as you start telling time, time starts telling you!"

به محض اینکه بتونی ساعت را بگی، ساعت هم حرف زدن با تو را شروع می کنه!



"I spent the afternoon digesting my lunch, pumping several quarts of blood through miles of tissue, filtering toxins in my liver, and replacing millions of skin cells. I didn't have time for anything else."

من بعدازظهر، نهارم را هضم کردم، چندین لیتر خون به کیلومترها بافتهای بدنم پمپاژ  
کردم، مواد سمی را در کبدم تصفیه کردم، و میلیونها سلول پوستم را عوض کردم، دیگه  
وقتی برای کار دیگه ای نداشتم!



"If global warming is real, how come our husbands aren't getting any hotter?"

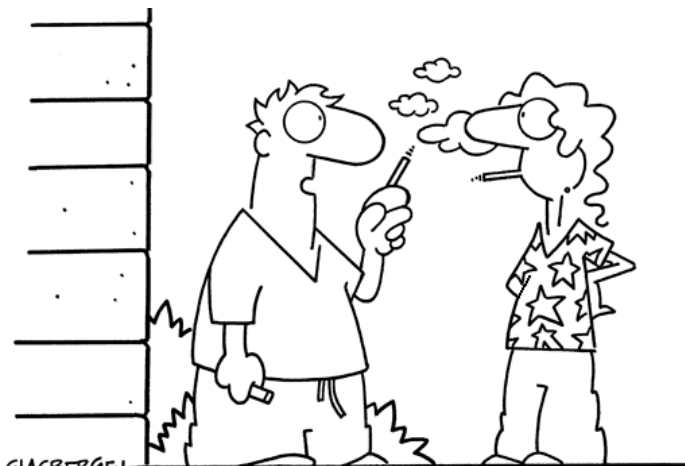
آه گرم شدن جهانی واقعیت داره پس چرا شوهرهای ما گرمتر نمی شوند؟!



"I'm writing a daily horoscope for our employees. How's this? Today you will succeed beyond your wildest dreams and make your boss the happiest person on earth!"

من دارم یه طالع بینی روزانه برای کارکنانمان می نویسم. این چطوره؟





GLASBERGEN

**"They say cigarettes can destroy your sense of smell, so as a hospital nurse I think it's a wise choice."**

می‌گویند سیگار می‌تونه حس بویایی رو از کار بیاندازه، بنابراین به عنوان یک پرستار بیمارستان فکر می‌کنم گزینه خوبی باشه!



**"There are four bird houses in the back yard. If you make the birds pay rent, the property will pay for itself in no time!"**

تو خیاط پشتی چهار تا لانه پرنداره. اگر پرنداره‌ها را وادار کنی که اجاره بدنند، هزینه فونه تان سریعاً تأمین می‌شه!



GLASBERGEN

**"Many women fear the word 'menopause' so I prefer to call it Puberty Part II."**

خیلی از خانمها از واژه یائسگی می‌ترسند، من ترجیح می‌دهم به آن بگویم: بلوغ، قسمت دوم!



GLASBERGEN

**"Breakfast is the most important meal of the day, doesn't it come with a cocktail and dessert?"**

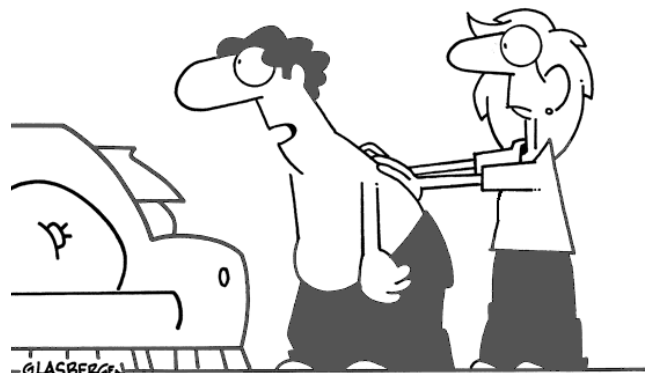
آه صبحانه مهم‌ترین وعده غذاییه، پس چرا با نوشابه و دسر همراه نیست؟!



GLASBERGEN

**"You did a great job describing my house in the Real Estate Ads. It sounds so appealing, I've decided to keep it!"**

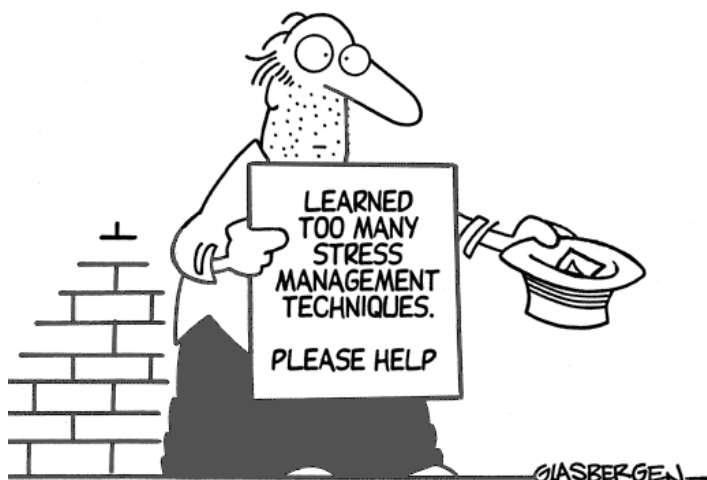
شما خیلی خوب فونه من رو توی تبلیغات مشاورین املاک توصیف کرده اید. آنقدر جذابه که از فروشش منصرف شدم!



GLASBERGEN

**"Giving a back rub is a lot like buying a house. Just remember, location, location, location!"**

ماساژ دادن کمر شباهت زیادی با خریدن فونه داره، فقط باید دقت کنی، موقعیت، موقعیت، موقعیت!



من بیش از اندازه تکنیکهای فونسردی و کنترل اضطراب رو یاد گرفته ام. لطفاً کمک کنید!



"I think it would be healthier if I keep smoking. Coughing gives me a 24 hour aerobic workout!"

فکر می کنم آگه سیگاری بمونم سالمتر می مونم. سرفه کردن یک ورزش ایروبیک ۲۴ ساعته محسوب می شه!



"I had to quit drinking coffee. It keeps me awake during presentations."

من باید فوراً قهوه را کنار بگذارم. چون باعث می شه موقع سخنرانیها بیدار بمونم!



"So I forgot my wedding vows! You expect me to remember a conversation we had 25 years ago???"

فُت من وعده های عروسیمان را فراموش کرده ام! تو انتظار داری صحبتای ۲۵ سال قبلمان یادم منوره باشه؟؟؟



"I needed someone who would always love and adore me, always find me fascinating, someone to spoil me rotten and never leave. So I married myself!"

من به یه نفر نیاز داشتم که همیشه عاشقم باشه، همیشه میزبوم باشه و توی پیری هم هیچ وقت تنه ایام نگذاره. بنابراین من با خودم ازدواج کردم!



"I can put everyone to sleep within the first five minutes, the rest of my presentation should go pretty well."

آگه بتونم تو پنج دقیقه اول سخنرانی ام همه رو خواب کنم بقیه سخنرانیم خیلی راحت پیش میره!



این یکی ۱۸۰ دقیقه است ... ۱۲۰ دقیقه برای فیلم و ۶۰ دقیقه هم برای بازکردن جعبه اش!



بقیه شکایت می کنند که تو هیچ پی قهوه برای هیچ کس نمی گذاری باقی نمونه!



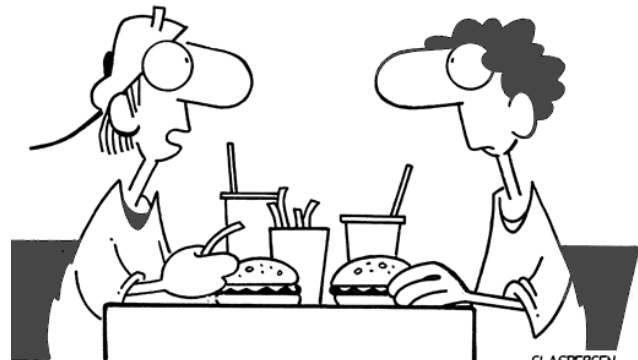
اخبار امشب با کیفیت بالا پخش می شود. [البته] برخی از دیدگاه های سیاسی ارایه شده در این برنامه ممکنه همچنان کنگ و مبهم به نظر برسه!



این یک موبایل، دوربین، و پخش موزیکه. که زنگش را روی لرزش (ویبره) تنظیم کنید و توی جورابتان بگذارید، ماساژور پا هم می شه!



بسیاری از دانش آموزان در به دنبال آزمونهای ریاضی آقای اتوادر می گردند!



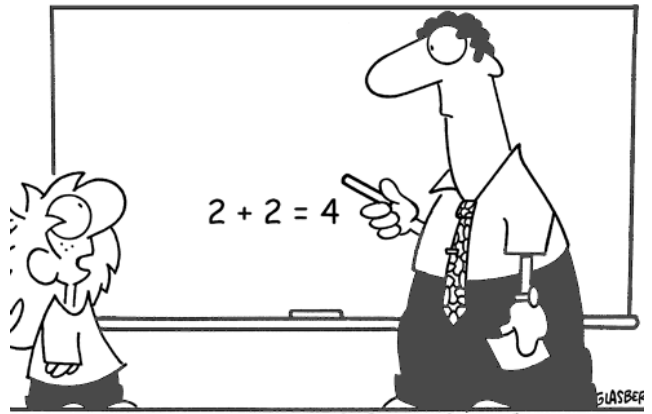
من فراموش کردم که از مغزم نسخه پشتیبان تهیه کنم، بنابراین هرچی ترم قبل یاد گرفته بودم از دست رفتم!





GLASBERGEN  
"I TURNED IN MY HOMEWORK TWO DAYS LATE, BUT NORMALLY IT'S FOUR DAYS LATE, SO TECHNICALLY IT'S EARLY!"

من تکلیفم را دو روز دیرتر انبام دارم ولی چون معمولاً چهار روز تأخیر دارم، زودتر از همیشه انبام داره ام!



GLASBERGEN  
"How can I trust your information when you're using such outdated technology?"

پطور می تونم به اطلاعات شما اعتماد کنم وقتی که از این فناوری قدیمی استفاده می کنید!



GLASBERGEN  
"I was in a good mood once, but I couldn't find any practical use for it."

من یه بار سرخال بودم ولی هیچ کاربردی برایش پیدا نکردم!



GLASBERGEN  
"I don't mind if you nap at your desk. Your snoring keeps everyone else awake."

مشکلی ندارم آکه پشت میزت چرت بزنی. صدای شروفتت بقیه را بیدار کنه می داره!



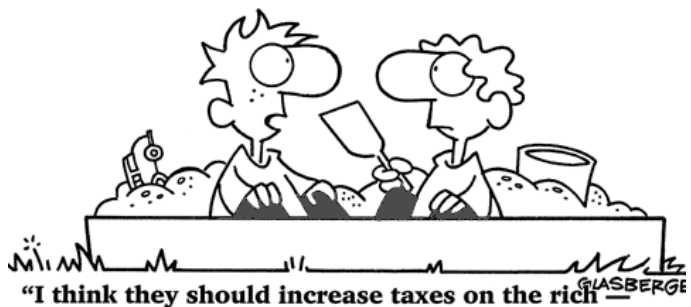
GLASBERGEN  
"I am not disorganized — I know exactly where everything is! The newer stuff is on top and the older stuff is on the bottom."

من آدم نامرتبی نیستم. دقیقاً می دونم که هر چیزی کجاست. چیزهای جدیدتر رو و چیزهای قدیمی تر زیراند!



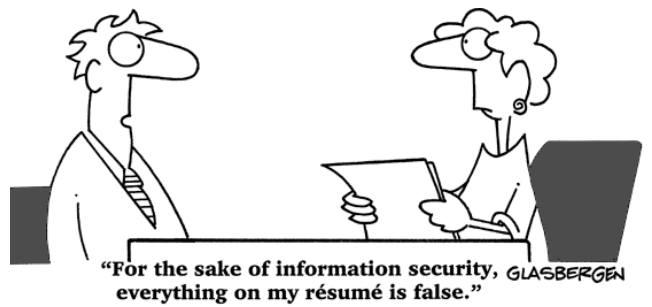
GLASBERGEN  
"The human race is still evolving. Your baby was born with extra thumbs for text messaging."

نژاد بشر همچنان در حال تکامله. کودکتان چند تا شست اضافی برای نوشتن پیامک داره!



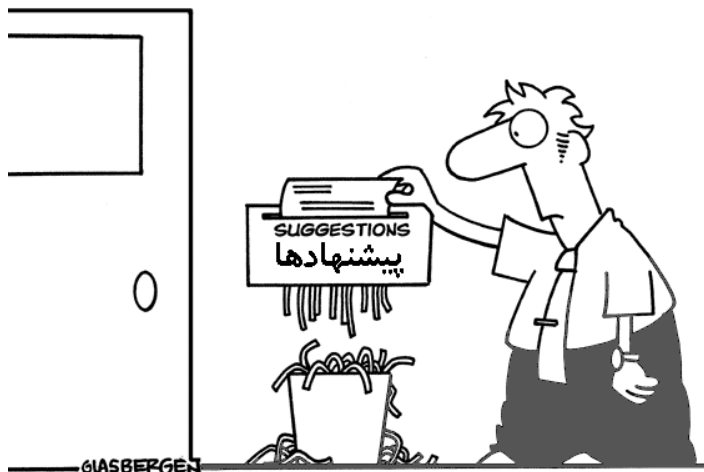
GLASBERGEN  
"I think they should increase taxes on the rich — anyone whose allowance is more than \$2 a week."

فکر می کنم باید مالیات پولدارها رو افزایش بدهند — هرکس که پول توجیبی اش بیشتر از ۲ دلار در هفته است!



GLASBERGEN  
"For the sake of information security, everything on my résumé is false."

به خاطر امنیت اطلاعات، همه چیزهایی که در رزومه (فرم سوابق کاری) من اومده نادرسته!



"Thank you for calling our Customer Service Department. This call may be recorded for our new CD, America's Funniest Tantrums."



"This story about Jack and the Giant...it's really about you and your boss, isn't it?"

این داستان ظاهراً دربارهٔ جک و غوله ... ولی واقعاً دربارهٔ تو و رئیسته، مکه نه؟!  
از تماس شما با دفتر فرمات مشتریان ما متشکریم. این تماس تلفنی ممکنه بر روی سی دی  
جیریدمان با عنوان «فنده دارترین برافلاقی های آمریکا» ضبط بشه!

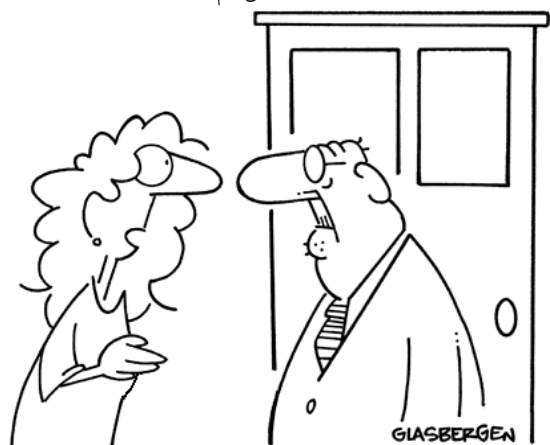


"Yes, I have room in my schedule to attend a Time Management Seminar...the day after I retire!"



من همیشه دنبال راههایی هستم که قواعد را بشکنم و کارهای متفاوتی انجام  
برهم. این کلید موفقیت منه!

بله، توی برنامه ام یک فرصت خالی برای شرکت در سمینار مدیریت زمان دارم ... روز بعد  
از بازنشستگی ام!



"Honey, when you left for the office this morning, you were a happy, enthusiastic, vibrant 25 year old! Do you want to talk about it?"

عزیزم! تو امروز صبح که سرکار رفتی یه جوان ۲۵ ساله شاداب، پالاک و باانگیزه بودی! می  
خواهی در موردش صحبت کنی؟!



"This job has cost me my health, my family, and my soul. Can I get a receipt?"

هزینه این شغل برای من، [از دست دادن] سلامتی ام، خانواده ام و روانم  
بوده. می تونم در قبالش رسید بگیرم؟!



"The dinosaurs became extinct because they were large and slow. In business, being small is a great advantage!"

دایناسورها به خاطر اینکه کُنده و کُند بودند منقرض شدند. در تجارت هم کوچک بودن مزیت بزرگی محسوب می‌شه!



"Yes, you've done an excellent job of keeping our computer safe. But sooner or later you'll have to plug it in."

بله، کار خیلی خوبی کردی که تا حالا کامپیوتر را سالم نگه داشته‌ای. ولی دیر یا زود بالاخره میبایستی می‌شی کامپیوتر را روشن کنی!



"They say kids these days are overweight because we don't get enough vigorous exercise. Maybe we should chew faster!"

می‌گویند امروزه بچه‌ها به خاطر اینکه تمرکز ندارند زیاد کافه‌ها و شیرینی‌فروشی‌ها را می‌خورند. شاید لازم باشد که چیپسها را سریعتر گاز بزنیم!



آیا تا حالا بینایی شما باعث سردردتان هم شده؟

فقط مواقعی که به رئیس، به صورتمسابهای ماهیانه، به قیمت بنزین و ... نگاه می‌کنم!



"For years your teachers kept telling you to settle down and sit still. You can stop now."

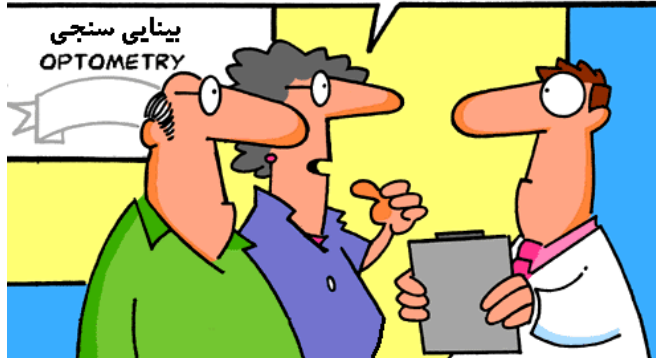
سالهاست هی معلمها به شما می‌گفتند که تکان نخور و آرام بنشین. الان وقتشه که درک به این حرف کوش نکنید!



"I'm trying to be more active. Does digesting count as exercise?"

من دارم سعی می‌کنم که فعالتر باشم. آیا هضم غذا هم فعالیت و ورزش محسوب می‌شود؟

MOST OF THE TIME HIS EYES ARE FINE,  
BUT HE HAS TROUBLE SEEING DISHES IN THE SINK,  
DUST ON THE FURNITURE, AND LAUNDRY THAT  
NEEDS TO BE FOLDED!



اکثر مواقع چشمهایش سالمه، ولی در دیدن ظرفهای توی ظرفشویی، گرد و خاک روی لوازم فونه، و لباسهایی که باید مرتب شونر مشکل داره!



هر روز ۳۰ دقیقه پیاده روی می کنم، ۸ لیوان آب می فورم، ۵ سبم میوه و سبزیجات مصرف می کنم ... ولی همچنان دارم پیر می شوم!



تو از رئیس، از مدیر عاملت، از سیاستمدارها، و از آدمهای پولدار بترت می آید، اگر آدمهای موفق اینقدر بد اند، چرا از من می خواهی که خوب درس بفونم و تو مدرسه موفق باشم؟!



این گوشی توی سینما مزاحم هیچ کس نمی شه. صدای زنگش مثل صدای خوردن ذرت بوداده می مونه!

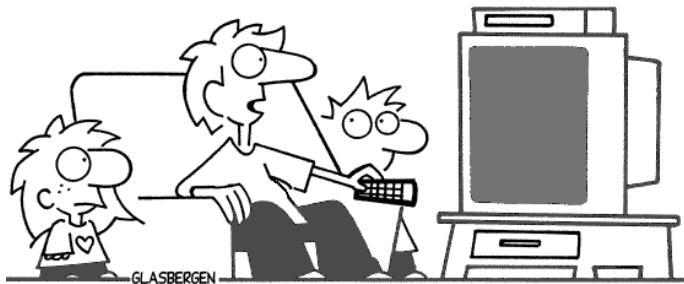


رزومه (فرم سوابق کاری) شما مملو از راست-نمایی، افتخارات دروغین، اغراقها و ادعاهای بی اساس است. من می فواعم شما را برای نوشتن گزارش سالانه مان استفراهم کنم!



من تجربه مدیریتی زیادی دارم. به مدت ۱۸ سال به پدر و مادرم می گفتم که چه کار کنند!





**"There's no picture and no sound.  
It's the Peace and Quiet Channel."**

این کانال نه تصویر داره و نه صدا. این همان کانال آرامش و سکوتیه!



**I admire the way you're coping with the economic slowdown."**

روشی که شما برای مقابله با وضعیت نابسامان اقتصادی در پیش گرفته اید را

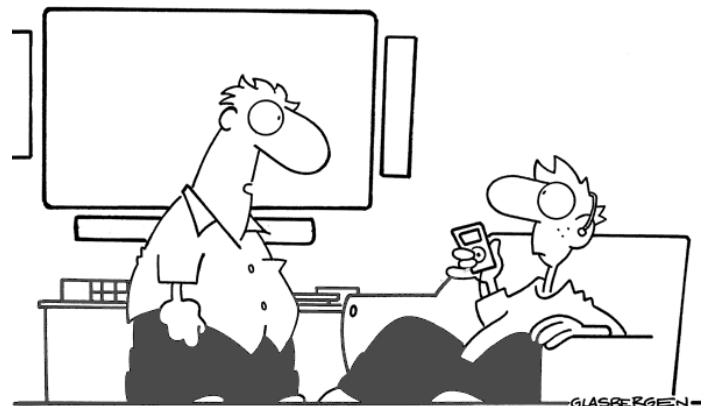
تسبین می کنم!



**"Cinderella lived happily ever after  
until she had kids. After that she was  
too tired to know if she was happy or not."**

بعد از اون سیندرلا برای همیشه فوشبفت زندگی کرد تا وقتی که بچه دار شد. بعد، اونقدر فسته

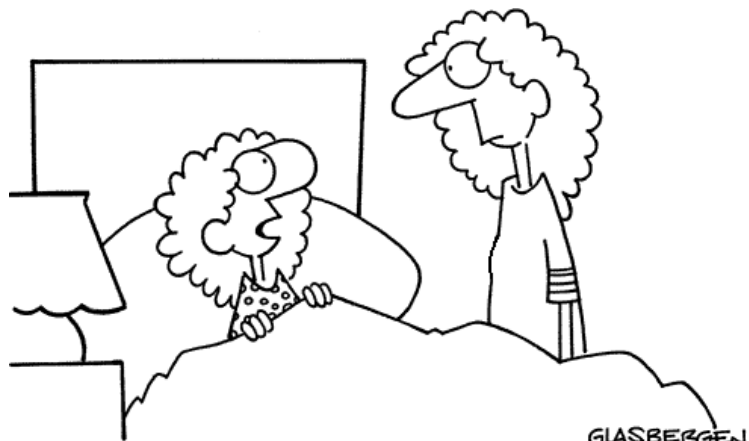
بود که نمی دونست فوشبفت هست یا نه!



**"I spent a fortune for a 60-inch plasma TV and now  
you'd rather watch programs on a 2-inch iPod screen?!"**

من برای تلویزیون پلاسمای ۶۰ اینچی به عالمه پول داده ام و تو به جای اون، برنامه ها

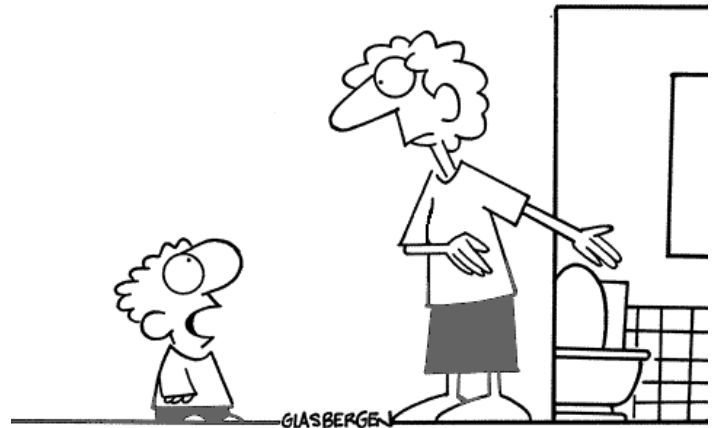
را روی صفحه ۲ اینچی آی پاد (iPod) تماشا می کنی؟!



**"My teacher says we should eat 5 fruits and vegetables  
every day. Today I had 3 raisins and 2 peas."**

معلم می که ما باید روزی ۵ تا میوه و سبزی بخوریم. امروز ۳ تا کشمش و ۲ تا نفودفرنگی

خوردیم!



**"Why do I need to learn potty training? Is it something  
I'll use later in life? Will it help me get into a good  
college?"**

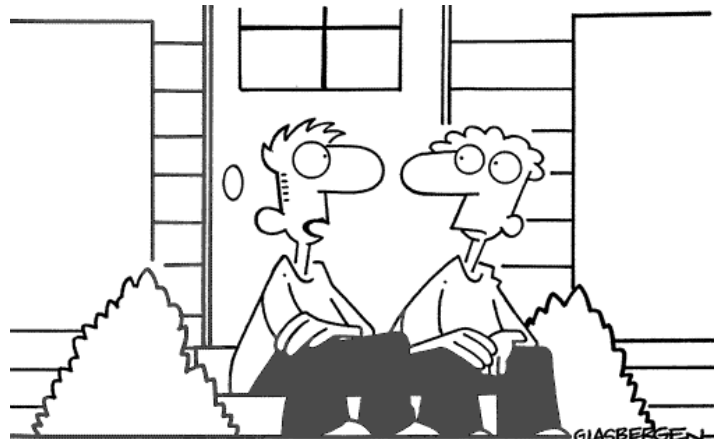
پرا من نیاز دارم که دستشویی رفتن رو یاد بگیرم؟ آیا بعداً تو زندگی ام به درد می خوره؟

آیا بوم کمک می کنه که به یه دانشگاه خوب بروم؟



**"We met, fell madly in love, got engaged, had a lovely wedding and honeymoon. Then things turned sour, we grew bitter, separated and divorced. It was quite a busy weekend!"**

ما هم‌رنگر رو ملاقات کردیم، عاشق هم شدیم، نامزد شدیم، یه عروسی و ماه عسل خوب داشتیم. بعد اوضاع عوض شد، رابطه مان تلخ شد، از هم جدا شدیم و طلاق گرفتیم. فاصله یه آشر هفته خیلی پُرکاری بود!



**"We're at that awkward age...too old to blame our parents for everything and too young to blame it all on the government!"**

ما هم توی عجب سنی هستیم ها ... اونقدر بزرگ شدیم که دیکه نمی تونیم برای هرچی به پدر و مادرمان غر بزنیم و اونقدر جوانیم که نمی تونیم برای هرچی به دولت غر بزنیم!



**"Like any good sales person, I care about your needs. You need to sign this contract, you need to write me a check, you need to see me again next month..."**

همانند هر بازاریاب خوب، من به نیازهای شما توجه می کنم. شما نیاز دارید که این قرارداد را امضا کنید، نیاز دارید که برایم یک چک بنویسید، نیاز دارید که ماه بعد دوباره من را ببینید، ... !



**"It's a lovely diamond, but I told you to engage the client. I didn't tell you to get engaged to the client."**

ملقه الماس خیلی خوشگلیه، ولی من بهت گفته بودم که با مشتری تعامل کنی، نه اینکه باهاش نامزد کنی!



**"..and I want a bonus of \$500,000 every time someone asks me to explain why my salary is so high."**

... و هر بار که کسی آژم می پرسه که چرا اینقدر حقوقم زیاده، من یه پاداش ۵۰۰ هزار دلاری می فوهم!



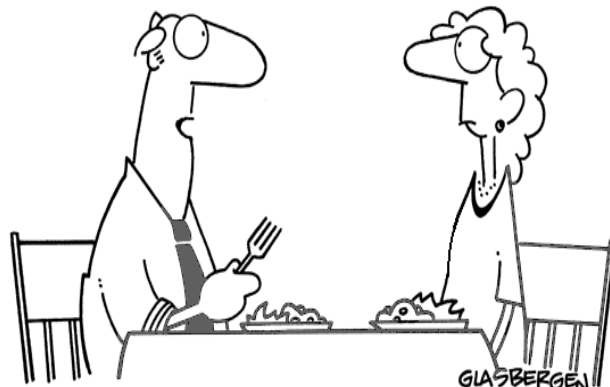
**"A good salesman cares about meeting the needs of his customer. I need you to go away."**

یه بازاریاب خوب به نیازهای مشتری اش توجه می کنه. من به عنوان مشتری نیاز دارم که شما پروید ردِ کارتان!



**"I think I have enough money for a comfortable retirement. All I need to be comfortable is a pair of soft slippers and some loose underwear."**

فکر می‌کنم که پول کافی برای یک بازنشستگی راحت را دارم. برای راحت بودن فقط کافیه که یک جفت دمپایی نرم و چند تا لباس زیر سبک داشته باشی!



**"An amazing thing happened at work today. For 8 minutes, my computer and I were both functional at the same time!"**

امروز سرکار یک اتفاق عجیب رخ داد. به مدت ۸ دقیقه، من و کامپیوترم هر دو کار می‌کردیم!



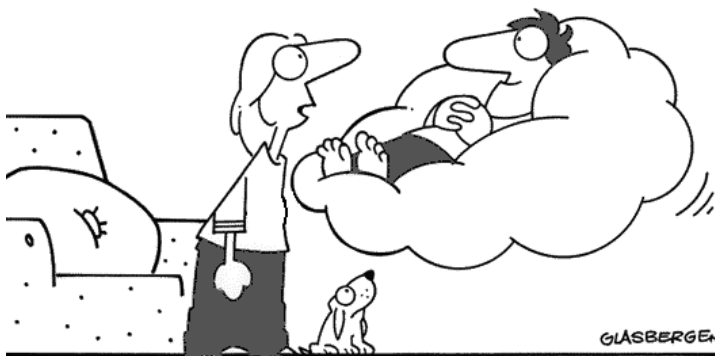
**"We've decided to wait while the housing market returns to normal. Call us when the seller drops the price from \$999,000 to \$40,000."**

ما تصمیم گرفته ایم که تا زمانی که بازار مسکن به حالت عادی برگردیده صبر کنیم. هر وقت که فروشنده قیمتش را از ۹۹۹ هزار دلار به ۴۰ هزار دلار کاهش داد با ما تماس بگیرید!



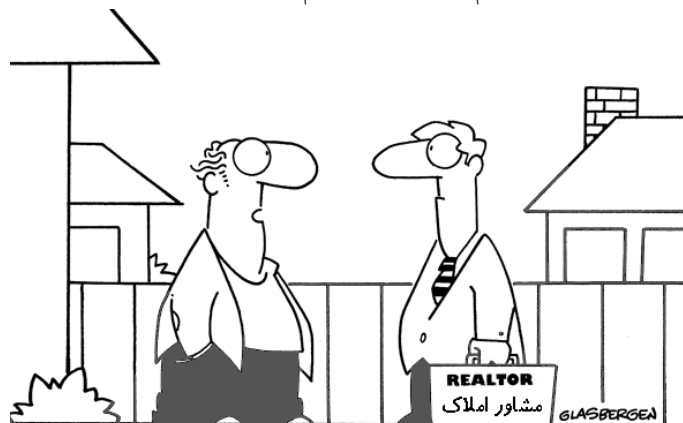
**"I have some paperwork to catch up. If I'm not back in two days, organize a search and rescue team!"**

من یکسری کاغذبازی و تشریفات اداری را باید انجام بدهم. اگر تا دو روز دیگه برگردم، یک تیم نجات و نجات برایم تشکیل دهید!



**"You're getting pretty good at this stress management thing."**

با این وسیله مدیریت اضطراب تو داری خیلی خوب می‌شوی!



**"We're asking for three million dollars, but if it doesn't sell quickly, we're willing to settle for forty thousand."**

ما برای فروش این فونه سه میلیون دلار می‌فروشیم، ولی اگر سریع فروش نرفت، به پهل هزار دلار هم راضی می‌شویم!



**"When the boss isn't around to watch us,  
he loads up this screen saver."**

وقتی که رئیس برای مراقبت این اطراف نیست، این اسکرین سیور (مافظ صفحه نمایش) را روی کامپیوتر فعال می‌کند!

## Perfume عطر



**"I want my husband to pay more attention to me.  
Got any perfume that smells like a computer?"**

من می‌فروهم شوهرم بیشتر بوم تویه کنه. آیا عطری دارید که بوی کامپیوتر بده؟!



**"It's the latest innovation in office safety.  
When your computer crashes, an air bag is activated  
so you won't bang your head in frustration."**

این آخرین نوآوری در زمینه ایمنی اداری است. زمانی که کامپیوترتان شراب می‌شه، یه ایربگ (کیسه هوا) فعال می‌شه تا در اثر ناراحتی سرتان را به مانیتور نکلویید!



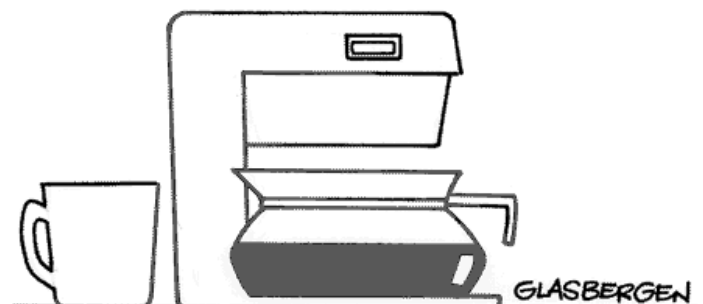
**"My boss gave me a 30% raise —  
5% more pay and 25% more work!"**

رئیس به من ۳۰ درصد افزایش داده، ۵ درصد حقوق بیشتر و ۲۵ درصد کار بیشتر!



**"And this button gives the computer  
a mild electric shock when  
I need to punish it."**

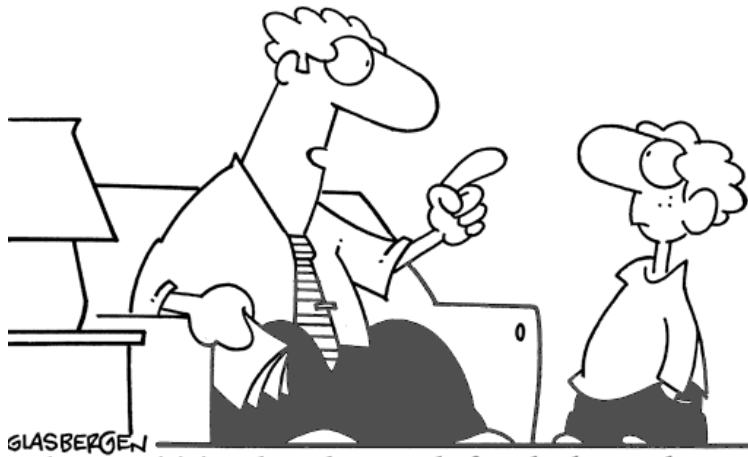
هر وقت که لازم باشه کامپیوتر رو تنبیه کنم با این دکمه به اون یه شوک الکتریکی ضعیف اعمال می‌کنم!



**"Because of his ongoing ability  
to increase office productivity,  
the 'Employee Of The Month' award  
again goes to Mr. Coffee."**

به دلیل توانایی مداوم ایشان در افزایش بهره‌وری اداری، جایزه «کارمند نمونه ماه» مجدداً به آقای قهوه اعطا می‌شود!

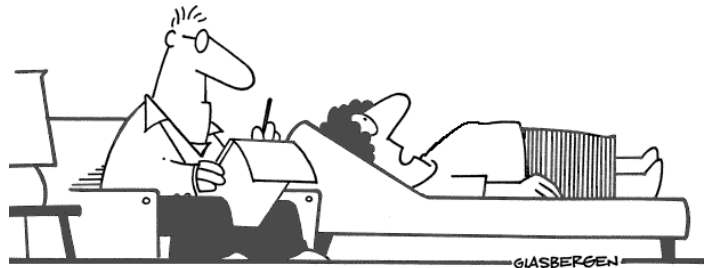




GLASBERGEN  
**"Always criticize the other guy before he has a chance to criticize you. That's called 'constructive criticism'."**

همیشه دیگران رو نکوهش کن، قبل از اینکه اونجا فرصت پیدا کنند که تو رو نکوهش کنند. به

این می گویند «انتقاد سازنده»!



GLASBERGEN  
**"I'd like to learn how to be less critical. My mouth has been classified as a weapon of mass destruction."**

من می خواهم یاد بگیرم که چطور کمتر دیگران را نکوهش کنم. زبانم به عنوان یه سلاح

کشتار جمعی شناخته شده!